

مقدمه در  
مراعات امام علی  
صفحه (ع) در روز

بسم الله الرحمن الرحيم

مسوده

### مرانامه جمعیت اسلامی افغانستان

#### مقدمه

میهن اسلامی ما از همان بامدادان گرایش به آئین رها بخش اسلام و پذیرفتن آموزه های آن بحيث چراغ راه زندگی، از جایگاه رفیع و بلندی در رشد و نشر فرهنگ اسلامی برخوردار گردیده و ابر مردانی در عرصه های مختلف علوم تقدیم جامعه اسلامی کرده است که تا هنوز هم نام های آنان سرفهرست اسماء مفکران و دانشوران بود. و یگانه شخصیتی که در دو قرن اخیر می توان از آن نام برد سید جمال الدین افغانی است که به حق لقب بیدارگر شرق و طلایه دار جنبش های آزادی بخش در جهان اسلام را از آن خود کرده و جنبش های ضد استعماری و مشروطه خواهی در کشور به اندیشه های او گره خورده است که خود گویایی بر افغانی بودن نهضت اسلامی افغانستان می باشد و بیجا نخواهد بود در پیوند به این موضوع از حرکت مشروطه خواهی کشور به رهبری مولوی عبدالرؤف قندهاری و نهضت حزب الله به رهبری مولوی عبدالغنی مشهور به مولوی قلعه بلند نام برد.

ریشه های نهضت اسلامی معاصر افغانستان به اواسط دهه سی بر می گردد که در آن دوران تعدادی از شاگردان مدرسه علوم شرعی در پغمان با الهام از وضع سیاسی موجود، واکنش در برابر فعالیت های سربازگرایانه گروه ها وابسته به اتحاد شوروی، در مکاتب و پوهنتون از جمله مدارس دینی رسمی، آگاهی از موضع دین ستیزانه نظام کمونیستی در آسیای میانه و آشنایی به نقش سید جمال الدین در خیزش های جهان اسلام و عرب خویشان را آماده این معرکه کردند. با آمدن استاد غلام محمد نیازی از مصر در اواخر 1336 و انتقال تجارب مبارزاتی جنبش های اسلامی جهان عرب، این حرکت قوت بیشتر کسب کرد. دامنه این حرکت فرهنگی سیاسی در دهه دموکراسی تحت نام مسلمان جوانان وسعت قابل توجه نموده و در اواخر دهه چهل حرکت های دانشجویی وابسته به گروه های چپ را از طریق تدویر اجتماعات به مناسبت های مختلف در مراکز علمی و تعلیمی به چالش گرفت که مرحوم عبدالرحیم نیازی محصل پوهنهی شرعیات و انجینر حبیب الرحمن محصل پولی تخنیک در درخشش حرکت درین مرحله از نقش تعیین کننده برخوردار بودند در اواخر همین دهه است که تعداد از اعضاء اولی این حرکت از جمله استاد ربانی بعد از تکمیل دوره ماستری خویش وارد کابل شده و در نقش محور فکری قرار گرفته و مرحوم نیازی و انجینر



حبیب الرحمن، انجینر سیف الدین، عطبتی و مولوی حبیب الرحمن در نقش حلقه وصل بین استادان وقاعده حرکت در سطح جوانان فعالیت می کنند.

با گذشت هر روز در میان جوانان این احساس قوت مهمی گرفت که بخاطر جلوگیری از تشتت باید برای جوانان هیئت رهبری تعیین گردد که در نتیجه از طریق اجتماعی مرکب از 260 نفر محصل بتاریخ دوازده میزان 1350 در مسجد پولی تخنیک برادران ذیل هریک:

انجینر حبیب الرحمن، مولوی حبیب الرحمن، انجینر سیف الدین، انجینر حکمتیار و غلام ربانی عطبتی در سمت رهبری این جریان قرار گرفتند و فعالیت های علنی خویش را تحت نام جوانان مسلمان در مراکز علمی و تعلیمی به گونه منظم پیش می بردند.

این حرکت در هفته ی آخر حمل سال 1352 بعد از توافق روی آخرین اساسنامه تشکیلاتی ، تحت نام «جمعیت اسلامی افغانستان» به فعالیت خود ادامه داد . در آن روزگار آرامش ظاهری از طوفان خطیری

خبر میداد که بعدها با کودتای سردار محمد داود همه آنچه پیش بینی می شد بوقوع پیوست .

جمعیت اسلامی افغانستان که می خواست فقط از طریق فعالیت های فرهنگی و سیاسی ادای رسالت نماید ،

بعد از کودتای محد داوود خان نه تنها اینکه دروازه فعالیت های فرهنگی و سیاسی برویش مسدود گردید

بلکه اعضای آن مورد تهدید و تعقیب قرار گرفتند . دستگیری ها مرحله به مرحله آغاز شد . رهبران

و مسؤولان مهم در فهرست دستگیری های دولت قرار گرفتند . انجینر حبیب الرحمن منشی جمعیت اسلامی

افغانستان از نخستین دستگیر شدگان در عقرب 1352 خورشیدی توسط پولیس سردار محمد داود بود .

تعدادی از اعضای جمعیت که از این بگیر و ببندها نجات یافته وامکان پناه بردن به خارج از کشور را داشتند به پاکستان هجرت نمودند .

در سال 1354 شورای رهبری جمعیت ( اعضای که قادر به خروج از کشور شده بودند ) تشکیل جلسه

دادند و بعد از بررسی اوضاع به این نتیجه رسیدند که گروه های وابسته به اتحاد شوروی دیر یا زود سردار

محمد داوود را از قدرت کنار زده ونظام استبدادی کمونیستی را در کشور پیاده خواهند نمود و کشور در

دامان کمونیسم سقوط خواهد کرد. با در نظر داشت این اوضاع جمعیت بناچار مبارزه مسلحانه را در دستور

کار خود قرار داد و قبل از اینکه اقدامی صورت بگیرد ، تماسهایی با سردار محمد داوود برقرار و برایش

تذکر داده شد ؛ هرگاه خواسته باشد نظام مستقل از نفوذ اتحاد شوروی را در کشور پی ریزد . جمعیت

خاطر نشان کرد که بدون چشم داشتتن به امتیازی آماده هر نوع همکاری است . هر چند او اطمینان می

داد که به زودی در این مورد اقدام خواهد نمود ، اما کار از کار گذشته بود .



پس از کودتای 7 ثور 1357 مرحله جهاد مسلحانه آغاز شد ، وبا تهاجم اردوی سرخ به کشور ما ، این جریان گسترده و فراگیر گردید . در دوران جهاد ، اعضای جمعیت در پیشاپیش رستاخیز عظیم اسلامی و ملی ملت آزاده خود حماسه های بزرگی آفریدند .

سالهای جهاد ، دوران فداکاری ها و قربانی های بیدریغی بود که هزاران جوان مجاهد و پیکار گر جمعیت در صحنه های پرافتخار دفاع از آزادی و استقلال کشور جام شهادت نوشیدند . سرانجام حماسه بزرگ مردم افغانستان به پیروزی رسید و حکومت مجاهدین تشکیل گردید . اما فتنه ها پایان نیافت . جنگ افروزان و مداخله گران خارجی ملت ما را آرام نگذاشتند . جنگهای تحمیلی شعله ور گردید . بار دیگر جمعیت به عنوان علم بردار دفاع و مقاومت با ملت مقاوم و آزادیخواه و متحدان سیاسی و نظامی آن در دوران مقاومت متحمل قربانی های بیدریغ و سنگینی گردید . همانگونه که در مبارزه در برابر تهاجم کمونیسم بین المللی پیروزی نصیب ملت ما گردیده بود ، این بار نیز جمعیت اسلامی افغانستان با حماسه آفرینی های خود در راه دفاع از وطن و ناموس و نجات از شر دهشت افگنان و حامیان بیرونی آنان حاضر به انتقال مسالمت آمیز قدرت به عنوان شهکاری در تاریخ افغانستان گردید .

طی سالهای پرافتخار مبارزه علیه تجاوز کمونیسم بین المللی و تروریسم ، جمعیت از یک حزب سیاسی فرهنگی و نظامی به یک جریان عظیم و سرتاسری ملی تبدیل شد و اکنون در میان همه اقوام و همه اقشار ، در بین مردان و زنان ، در صفوف علماء و روشنفکران ، جوانان و نسلهای برخاسته از جهاد و مقاومت دارای پایگاه قوی و نیرومندی گردیده است .

اکنون که جامعه و کشور ما وارد مرحله جدیدی از حیات اجتماعی و سیاسی خود شده است ؛ جمعیت با درک کامل از شرایط و اوضاع کنونی در جهت رسیدن به اهداف بزرگ اسلامی و ملی خویش میخواهد در راه انجام این رسالت بزرگ میهنی کماکان به مبارزات خویش ادامه بدهد .

جمعیت از اولین روزهای آغاز مبارزه اهداف بزرگ خود را در تحقق مطالب ذیل مطرح ساخته است :

دفاع از ارزش های اسلامی و ملی ، حاکمیت ملی ، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ، تحکیم وحدت ملی ، تأمین عدالت بر پایه تعلیم والای اسلام و ساختن فرد مسلمان ، ایجاد خانواده اسلامی و با آخیره رسیدن به قدرت سیاسی در چهار چوب قوانین نافذی کشور .

برنامه جمعیت در امور سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی بطور عمده در موارد زیرین خلاصه می گردند :



## 1- امور سیاسی :

برنامه جمعیت در امور سیاسی به دو بخش سیاست داخلی و سیاست خارجی تقسیم می گردد :

### الف : سیاست داخلی :

- 1- حاکمیت ملی ، حفظ و تأمین استقلال و وحدت ملی ، پاسداری از تمامیت ارضی ، صلح و ثبات دایمی ، فرهنگ و هویت اسلامی و ملی پایه های اساسی سیاست داخلی جمعیت را تشکیل می دهد .
- 2- جمعیت در شرایط کنونی تلاش می ورزد تا اقتدار ملی را از راه توسعه سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و تعمیم ارزشهای معنوی در پرتو تعالیم اسلام و احکام مندرج در قانون اساسی تأمین کند . جمعیت در دسترسی به این اهداف با تشکل های دیگر مشارکت فعال را مورد توجه قرار میدهد .
- 3- جمعیت از آزادیهای فردی و اجتماعی ، همگرایی و وفاق ملی ، و حقوق حقه مردم دفاع می نماید و بر ضد هر نوع تبعیض ، بی عدالتی و فساد اداری مبارزه می کند .
- 4- جمعیت با تأکید و باور به مرجعیت شریعت اسلامی در امر قانونگذاری ، تشکیل دولت را حق مردم می داند و معتقد است که انسان عالی ترین مظهر قدرت الهی در منظومه آفرینش آفریده ای است آزاد و مکلف برای تنظیم حیات اجتماعی خویش . بهترین راه استفاده از این حق برگزاری انتخابات عمومی ، آزاد ، سری و مستقیم می باشد .
- 5- از نگاه جمعیت تنها دولت و نظامی مشروعیت دارد که براساس اراده مردم تشکیل شده باشد ، و مشروعیت چنین دولتی تا زمانی ادامه می یابد که از یکطرف دارای صلاحیت و کفایت حفظ حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی احاد ملت باشد و از طرف دیگر در عمل آن را محترم بشمارد و در حفظ و استحکام آن با همه امکانات خویش تلاش ورزد .
- 6- جمعیت اسلامی افغانستان فراهم نمودن زمینه های استفاده از حقوق و آزادیهای انسانی را در نظام حقوقی اسلام ، قانون اساسی و حقوق بشر از وجایب دولت می داند .
- 7- از نظر جمعیت شهروندان افغانستان بدون هر گونه تبعیض حق دارند متناسب به اهلیت و شایستگی خویش در امور کشور سهم بگیرند ، لذا هیچ کس را که اهلیت و شایستگی خدمت در دولت را داشته باشد نمی توان از این حق محروم ساخت ، مگر طبق حکم محکمه با صلاحیت .
- 8- تلاش برای ایجاد محیط مساعد جهت رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان ، تقوی و مبارزه بر ضد کلیه مظاهر فساد از اهمیت ویژه نزد جمعیت برخوردار است .
- 9- جمعیت هرگونه انحصار طلبی و استبداد رأی و اعمال سلیقه های فردی و گروهی در تصمیم گیری ها را مردود می داند .



- 10- جمعیت هر نوع تبعیض را مردود می شمارد و با نفی خشونت و زور گویی از تعمیم آزادیهای مشروع مانند آزادی بیان و اندیشه و ایجاد زمینه های تفاهم و مشارکت ملی حمایت می نماید .
- 11- حاکمیت ملی تجزیه ناپذیر است و هیچ قدرتی نمی تواند حاکمیت ملی مردم افغانستان را سلب نماید . در شرایط فعلی ، جمعیت نظام جمهوری پارلمانی را مناسبترین نظام برای مردم افغانستان می داند .
- 12- در حالی که جمعیت از تعدد احزاب سیاسی حمایت می نماید ، حزب مخالف از نگاه جمعیت مفهوم نظارت و احتساب و همکاری در جهت اصلاح نظام را دارد ، نه رقابت منفی و تضعیف و بدنام سازی حکومت .

ب- سیاست خارجی :

- 1- برای جمعیت در عرصه سیاست خارجی و مناسبات بین المللی، رعایت منافع ملی کشور ملاک عمل است . با در نظر داشت همین اصل جمعیت از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و حقوق والای انسانی بحیث ارزشهای نهایت مهم با قاطعیت دفاع می نماید و در برابر هر اقدامی که این ارزشهای عالی را خنثه دار سازد جداً مقابله می کند . توسل بزور در اصل منازعات بین المللی در همه اشکال آن از نظر جمعیت مردود است .
- 2- در عرصه روابط بین المللی جمعیت با رعایت اصول زیست باهمی ، احترام متقابل به حاکمیت و استقلال ملی کشورها و عدم مداخله در امور یکدیگر ، می خواهد با تمام کشورهای جهان بویژه همسایه ها و کشورهای اسلامی ، روابط حسنه و دوستی مستحکم و پایدار برقرار گردد .
- 3- جمعیت در امور بین المللی به منشور سازمان ملل متحد ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق ها و اسناد حقوق بین المللی که با ارزش های دینی و فرهنگی ما در تضاد نباشد ، احترام می گذارد .
- 4- جمعیت استقرار صلح و ثبات در جهان را برای رفاه و پیشرفت مزید بشر یک امر ضروری تلقی نموده و از همه کشورهای جهان می خواهد که منازعات ذات البینی خویش را از راه مسالمت آمیز حل و فصل نمایند .
- 5- جمعیت عقیده دارد که پالیسی های غیر متوازن و عاقبت نیندیشانه حکومت های زورگو و غیر دموکراتیک و افزون طلبی های برخی از کشورهای بزرگ در نقاط مختلف جهان ، بزرگترین عامل بروز کشمکش های خونین و ویرانگر می باشد . چنین کشمکش ها نه تنها صلح و آرامش منطقه ای را بر هم می زند بلکه خطر بزرگی را متوجه صلح و ثبات جهانی نیز می سازد . از



دیدگاه جمعیت ، برای رفع این خطر باید به سازمان ملل متحد موقع داده شود ، مطابق منشور خود عمل نماید .

6- جمعیت خواهان مناسبات و همکاری های دو جانبه و چند جانبه با سایر کشورها بوده و بر ضد هر گونه استعمار و نفوذ بیگانه در کشور مبارزه خواهد کرد .

7- جمعیت با تروریسم در همه اشکال و انواع آن چه فردی و چه دولتی ، مخالف است و مبارزه با آنرا مسؤولیت جامعه جهانی می داند و در عین حال خواهان تعریف روشن و مورد اتفاق جامعه جهانی در مورد آن است تا مبارزات مشروع و برحق ملتها در راه آزادی و استقلال و کرامت انسانی شان از آن تفکیک گردد .

8- جمعیت از مبارزات عدلانه ملت های محکوم و مظلوم در راه احقاق حقوق حقه و کرامت انسانی شان حمایت و پشتیبانی می کند .

## 2- در عرصه امور اجتماعی :

با در نظر داشت این واقعیت که هدف اساسی ایجاد حکومت ها و فلسفه وجودی تشکیل جریان های سیاسی و اجتماعی همانا خدمتگزاری به مردم است ؛ جمعیت پایه های سیاست اجتماعی خود در راه تربیت ، رفاه و سعادت جامعه را بگونه ذیل مطرح می سازد :

از آنجاییکه خانواده سنگ زیرین بنای جامعه انسانی را تشکیل میدهد ، جمعیت توجه به امور خانواده و تربیت آن را اساسی ترین گام در جهت سعادت و آسایش جامعه می داند و دولت را موظف میداند که اجرای امور ذیل را در دستور کار خود قرار دهد :

- اهتمام به صحت و سلامت طفل و مادر و ایجاد زمینه های بهداشتی برای آنان .
- توجه به تربیه کودکان و رشد سالم آنان در روشنی آموزه های تربیتی اسلام و تجارب امروزی بشری .
- مواظبت از اطفال نادر و یتیم و بی سرپرست .
- توجه جدی به تربیه نسل جوان در همه نقاط کشور و ایجاد زمینه تحصیل و تربیت بدنی برای آنان که گرانها ترین سرمایه جامعه می باشند .
- از نظر جمعیت دولت مسؤولیت دارد تا برای احقاق حقوق زنان بذل توجه نماید .
- تنظیم برنامه های ملی و دولتی برای کمک به افراد و خانواده های فقیر ، محروم ، کهنسال و نیازمند .
- ایجاد پرورشگاه ها در مرکز و ولایات کشور .



- اهتمام جدی به آسیب دیدگان و معلولان بویژه خانواده های شهدا و ایجاد اشتغال فرا خور احوال آنان .
- زمینه سازی برای ایجاد شغل برای بیکاران .
- جلوگیری از استخدام کودکان در کارهای شاقه و طاقت فرسا .
- جمعیت برای رشد سالم جامعه خواهان تشکیل و توسعه ی اتحادیه های صنفی و مسلکی می باشد تا به صورت متشکل از حقوق و منافع خویش دفاع نموده بتوانند .
- جمعیت در حالی که از سهمگیری افراد و تشکیل سازمانهای خیریه و نهادهای تعاونی ملی حمایت می کند ؛ خواهان آن است که دولت نهادهای بزرگ خدماتی و تعاونی را که ایجاب سازماندهی گسترده را می کند جهت عرضه خدمات بهتر به مردم ، ایجاد ، اداره و تنظیم نماید .
- جمعیت هیچ نوع تعصب و تقوی نژادی ، لسانی ، مذهبی و منطقه بی ، طبقاتی و جنسی را نمی پذیرد و با هر گونه مظاهر تعصب با توانمندی تام مبارزه می کند . جمعیت باور دارد که همه مردم افغانستان با هم برادر و از حقوق و مکلفیت های یکسان برخوردارند .

### 3 - امور تعلیمی و تربیتی :

جمعیت تعلیم و تربیت را فریضه دینی ، وجیبه میهنی و نیاز اساسی رشد و تکامل جامعه انسانی می داند ، مبارزه با بیسوادی را تنها مسؤلیت حکومت نمی داند ، بلکه آن را رسالت ملی هر شهروند این کشور تلقی می کند .

از نظر جمعیت تعلیمات دوره ثانوی در کشور باید امر اجباری باشد . همزمان با تعمیم هر چه بیشتر تعلیم و تربیه در کشور ، توجه بیشتر به کیفیت آن از اهمیت زیادی برخوردار است . هدف اساسی از تعلیم و تربیه در افغانستان باید تربیه نسل آگاه ، متدین ، دانشمند ، متخصص و متعهد ، وطن دوست و مسؤلیت پذیر باشد .

در پهلوی مکاتب و مراکز تعلیمی و تربیتی دولتی جمعیت مراکز تعلیمی و تربیتی خصوصی را با رعایت اصول و مقررات و نظام تعلیمی در کشور لازم می داند .

از آنجاییکه افغانستان در برخی از مراحل تاریخ خود به عنوان یکی از حوزه های مهم علمی و تمدنی شناخته شده است جمعیت خواهان ایجاد مراکز علمی و پژوهشی دولتی و خصوصی برای درخشش بیشتر این تمدن و رشد علوم و معارف است .



توجه به تأسیس و گسترش مراکز و مدارس تعلیمات دینی در کشور یکی از نیازهای اساسی جامعه است. نبود مراکز نیرومند و مجهز تعلیمات دینی در کشور باعث پیوستن جوانان ما به مدارس دینی در کشورهای مختلف گردیده است. و چه بسا که فراگیری سلیقه‌ها و اشکال متنوع مکاتب فکری باعث ظهور ناهنجاری‌هایی در کشور و عامل آشوبها و برخوردها می‌شود. دولت و مردم هر دو مکلف اند در ایجاد چنین کانون‌های مجهز، ابتکار عمل را بدست گیرند تا جوانان وطن که آرزوی تحصیلات دینی را دارند، در آن جنب شوند.

#### 4- در عرصه فرهنگ:

- 1- فرهنگ در مفهوم وسیع آن روش زندگی و آیینی تمام‌نمای هویت جامعه، ارزش‌ها و میراث تمدنی آن می‌باشد. بدون تردید فرهنگ اسلامی محور تمدن جامعه و کشور ما است. با توجه به این محوریت جمعیت از کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگی حمایت می‌کند و به جای منازعه‌ی فرهنگی بر همکاری فرهنگی تأکید می‌کند. سیاست فرهنگی جمعیت مبتنی بر انعطاف‌پذیری، مبادله و گفتگوی فرهنگی استوار است و مبتنی بر این سیاست از مزایای فرهنگ و تمدن‌های دیگر در پیشرفت افغانستان استفاده به عمل می‌آورد.
- 2- با توجه به دیدگاه جمعیت در عرصه فرهنگ، ملت افغانستان با وجود آنکه از اقوام و قبایل و زبان‌های مختلف تشکیل گردیده است دارای فرهنگ برابر و مشترک اسلامی و ملی است. جمعیت بر حفظ و غنای هر چه بیشتر این فرهنگ تأکید دارد.
- 3- جمعیت به این باور است که با احیا و ایجاد نهادهای فرهنگی می‌توان در راه رشد ادبیات و زبان‌های ملی و آفرینش آثار هنری گام‌های بلندی برداشت.
- 4- جمعیت برای شگوفایی بیشتر فرهنگ دینی و ملی افغانستان، لازم می‌داند تا برنامه‌های همه‌جانبه جهت پرورش استعدادها و هنری در کشور طرح و جهت ابداع آثار ارزشمند فرهنگی و هنری و ایجاد نشر و پخش این گونه آثار از هیچگونه تلاش دریغ نگرند.
- 5- جمعیت از آزادی بیان و مطبوعات در کشور حمایت و پشتیبانی می‌کند. و مداخله دولت را بیرون از چارچوب قانون برای محدود ساختن آزادی مطبوعات تخلف صریح از حق آزادی بیان می‌داند.
- 6- به نظر جمعیت دولت وظیفه دارد که در راستای بالندگی فرهنگ اسلامی و ملی کشور تدابیری را اتخاذ نماید که از اثرات سوء سایر فرهنگ‌ها در امان بماند.





## 5- در عرصه اقتصاد :

هدف اساسی جمعیت در بخش اقتصاد ، رهایی و نجات مردم از فقر و محرومیت ، تأمین آسایش ، بالا بردن سطح زندگی آنان ، توسعه و رشد اقتصاد ملی و تأمین عدالت در جامعه است .  
جمعیت برای رسیدن به این اهداف ، خواستار آن است که برنامه های جامع و مؤثر اقتصادی جهت انکشاف و تقویت اقتصاد ملی وضع و عملی گردد :  
تلاش برای دستیابی به اصل خود کفایی .  
به کار انداختن ظرفیت های ملی .

بهره برداری از ذخایر طبیعی و منابع گوناگون انرژی در کشور با استفاده از دانش و تکنالوژی معاصر .  
جلب سرمایه گذاری خارجی .

توجه به اقتصاد بازار با نظارت دقیق دولت .

فراهم نمودن تسهیلات برای تاجران ملی .

حفاظت از املاک و ثروت های ملی و نجات آن از دست برد و تصرف افراد حقیقی و حکمی و حوادث طبیعی .

حمایت و تلاش از فعالیت در جهت توسعه ی بانکداری اسلامی .

از نظر جمعیت بانک مرکزی به جای رقابت با بانک های تجاری باید مسئولیت نظارت و تنظیم آنها را بعهده گیرد و یک نظام سالم پولی را در کشور رهبری نماید . زیرا در هر اقتصادی که دولت با بخش خصوصی به رقابت برخاسته است ؛ باعث سقوط کامل آن و منجر به انحصار کامل دولت گردیده و زمینه رقابت کامل و آزاد را که برنده اصلی در آن مصرف کنندگان و کتله های بزرگ شهروندان می باشند از بین میبرد .

- جمعیت از اقتصاد مختلط و رقابتی در کشور حمایت نموده و مؤسسات اقتصادی از نظر جمعیت می توانند به اساس سه نوع مالکیت فعالیت نمایند :

مؤسسات اقتصادی کاملاً خصوصی .

مؤسسات اقتصادی کاملاً دولتی .

و مؤسسات اقتصادی مختلط که بتوانند بطور کامل و آزاد با یکدیگر رقابت و همکاری نمایند .

توزیع عادلانه عوائد ملی انکشاف متوازن در کشور از طریق برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت یکی از خواست های اساسی جمعیت در جهت تحقق عدالت اقتصادی بحساب می رود .

جمعیت علاقمند است از طریق بالا بردن سطح تولیدات ملی و تشویق سرمایه گذاران داخلی کشور به سوی خود کفایی سوق گردد و از طریق ازدیاد معلومات و شفافیت ، راه های عین فاحش و سود جویی غیر



عدالانه در تجارت مسود گردد. جمعیت بخاطر رشد فعالیت های تاجران بخش خصوصی در کشور به این باور است که باید هرگونه مانعی که سد تسریع فعالیت های اقتصادی گردد برطرف شود.

از آنجاییکه سرمایه گذاری خارجی حایز نقش تعیین کننده در جهت رشد و توسعه اقتصادی کشور در شرایط کنونی می باشد؛ لذا جمعیت لازم می داند که این مسئله در محراق توجه قرار گیرد و تسهیلات اداری و گمرکی برای این منظور تأمین گردد. در عین حال سهمگیری سرمایه گذاران و تاجران در توسعه اقتصادی کشور، از اولویت های برنامه های اقتصادی دولت باید باشد.

جمعیت طرفدار بیلبانس تأدیبات واردات و صادرات بوده و علاقمند است تا برنامه هایی روی دست گرفته شود که از منابع طبیعی کشور در جهت ارتقا و انکشاف اقتصاد جامعه استفاده گردد.

جمعیت به منظور جلوگیری از افراط و تفریط در توزیع عوائد ملی که یکی از ویژگی های بازار آزاد است خواهان وضع مالیات مترقی در موارد خاص می باشد.

#### پیشنش اقتصادی ما:

برای این که اقتصاد کشور در مسیر درست حرکت نماید، ضرورت احساس می شود تا برنامه جدید اقتصادی طرح شود تا اساس یک اقتصاد ملی وضع گردد که اساس آن را تداوم رشد و عدالت تشکیل می دهد.

جمعیت به این باور است که باید اقتصاد کشور بر اصل آزادی اقتصادی همراه با نوآوری و تحول در سایه رشد یک دولت نیرومند و نهادهای که رفاه و عدالت را تضمین نماید استوار باشد. آزادی اقتصادی یگانه ضامن نوآوری و تحول و توسعه اقتصادی بوده البته همراه با نقش قوی نظارتی دولت در حمایت از رقابت اقتصادی و منع احتکار در بازار و حمایت از گروه های فقیر به گونه که از تحقق عدالت در توزیع ثمره های رشد و توسعه ضمانت نماید.

این اقتصاد ملی باید بر اصول اقتصاد مبتنی بر علم متکی باشد و سهمگیری فعال سرمایه انسانی را در رهبری این عملیه توسعه و تحول، ضمانت نماید.

پایه های پیشنهاد اقتصادی جمعیت بر اصول ذیل استوار است:

- 1- اسان افغانی در محور عملیه توسعه اقتصاد قرار داشته که خواسته های آن را انجام نماید و از ثمره های آن استفاده کند.
- 2- ارزش ها و اخلاق جدا از عملکرد های اقتصاد مادی در عرصه های مختلف نبوده و هر دو در روی یک سکه اند.



بنای تمسک به بخش ارزش اخلاقی، امری است ضروری و لازمی، زیرا همین ارزش ها و اخلاق اند که بحدیث یگانه ضامن اساسی یکپارچگی حفاظت جامعه به حساب رفته و بستر مناسبی را برای پیشرفت آن تشکیل می دهد.

نهضت اقتصادی و تمدنی در سرزمین های اسلامی ما در گذشته بر همین ارزش و اخلاق استوار بودند که با عمل خلاق و آفرینشگرانه یکجا به پیش رفتند.

3- آزادی اقتصادی و رقابت سالم اساس پیشرفت و ترقی را تشکیل داده و از همین جهت است که نقش بخش، در حیات اقتصادی کشور نقشی است حیاتی.

4- برتری دادن به مصلحت عمومی بدور از متضرر شدن افراد و آزادی اقتصادی آن ها.

5- منابع عمومی کشور حق همه شهروندان افغانی بوده و همه از حق مساویانه در استفاده از آن ها برخوردارند.

6- اصلاح موسسات و نهادها یگانه راه مقاومت در برابر مشکلات اقتصادی کنونی بوده و تضمین کننده پیشرفت، رفاه و عدالت می باشد. به کار انداختن دولت قانونی در راستای تنظیم معاملات اقتصادی افراد پایه اساسی تحقق اهداف توسعه و حمایت از جامعه به حساب می رود.

7- اهمیت دادن به نقش اقتصاد جمعی در منظومه اقتصادی از طریق آزاد گذاشتن و تاسیس جمعیت های وطنی و تاکید بر زکات و وقف و همه اعمال خیریه که تضمین کننده نیرومندی حیات اقتصادی و تقویه مشارکت جمعیت بوده و فضای تعاون در جامعه را گسترش می دهد، البته مشروط به این که نقش این اقتصاد جمعی در روشنای خواسته های برنامه عمومی دولت باشد.

8- افغانستان همه موافقتنامه های بین المللی و منطقه ای مربوط به اقتصاد را محترم شماریده البته مشروط به این که با تعهدات کشور در سایر عرصه ها تصادم نداشته و در تعارض با مصالح آن نباشد. و باید از موافقتنامه ها منطقه و بین المللی استفاده اعظمی صورت گیرد.

#### سیاست مالی ما:

1- ناتوانی توازن مالی و دین عمومی که بتواند از تداوم مالی و تقلیل در خطرهای قرض های داخلی و خارجی.

2- تنظیم و توجیه مصارف حکومتی تحت رهبری مقام اعلاای قوه اجرایی. تحقق این امریه ها از نهادهای امکان پذیر است که بدون هر گونه فائده بار دوش بودجه دولت بوده و از جمله می توان به سفرهای خارجی بدون فائده، منع ندای در خارج به مصرف دولت و جلوگیری از انارشیزم در تعیین مشاوران و...



- 3- منابع مالی ادارات محلی باید تکمیل کننده مصارف حکومتی بوده تا پروژه های توسعه‌ی و تقدیم خدمات بهتر باشد.
- 4- تجدید نظر در نحوه مصارف برای اولویت دادن به مصارف عرصه های صحت، تعلیم و توسعه داده.
- 5- تجدید نظر در تشکیل منظومه مالیات به گونه ای که عدالت در مالیات را تضمین نموده و باعث زیادت در واردات عمومی شود تا جوابگوی مصارف.
- 6- کمک به بخش های اقتصادی صنعتی و غیره باید مشروط به این باشد که زمینه های اشتغال و حمایت از حقوق کارگران و تحقق اولویت های برنامه توسعه و انکشاف را فراهم سازد.
- 7- استقلال کامل دستگاه مرکزی محاسبات منحصبت ابزار اساسی نظارت بر دارای عمومی و ترکیز بر حق او در ارائه گزارش انحرافات مالی به مقامات ذی صلاح به گونه مستقیم.
- 8- انکشاف نظام نظارت مالی داخلی در چارچوب وزارت مالیه و در موسسات عمومی به گونه که بتواند از دارای عمومی حمایت و مصرف آن به گونه شائسته.

#### 6- در عرصه تجارت ✓

به باور جمعیت پیشبرد رشد اقتصادی و حرکت به سوی اقتصاد برخوردار از قدرت رقابت اقتصادی در بازار جهانی، تنها از طریق اتخاذ آن سیاست تجارتي امکان پذیر است که نوآوری، ابتکار و رقابت را در عرصه های تجارت داخلی و خارجی مورد تشویق و تشجیع قرار کرد.

بر همین اساس جمعیت در تحقق اهداف سیاست تجارتي داخلی و خارجی خویش، بر اجراءات ذیل تأکید می نماید:

#### الف- تجارت داخلی:

جمعیت بر اهمیت تنظیم حرکت تجارت داخلی در کشور تأکید ورزیده و بنابر اهمیتی که این حرکت در فراهم سازی کالاهای مورد نیاز برای مستهلکین در کشور دارد، ضرورت آن احساس می شود که گام های ذیل در جهت تحقق اهداف ذیل برداشته شود:

1- تجدید نظر بر قوانین تجارت داخلی به گونه که از حقوق هر یک تاجران و مستهلکین حفاظت به عمل آید.

2- فعال ساختن نقش نظارت دولتی و غیر دولتی بر بازار بخاطر جلوگیری از فعالیت های اشتکاري



- 3- فراهم سازی منابع تمویل کارگران این عرصه موافق به تجارب نوین که به مؤسسات اجازه می دهد تا با تاجران متوسط و خورده تاجران معامله نمایند.
- 4- تنظیم پروسه های داخل شدن به بازار و خارج شدن از آنها تقویه نقش اتحادیه اطاق های تجارت و اتحادیه های کارگران و سائر نهاد ها در ایجاد بخش رو به انکشاف تجارت داخلی.
- 5- فراهم سازی بازارهای خاص در سطوح مختلف تجارتي از خلال بخش های خاص متناسب با شرایط و امکانات هر بخش همراه با تعهدات و التزامات خاص متناسب به اهداف عمومی سیاست تنظیم این بازارها.

#### ب- تجارت خارجی:

جمعیت با درک اهمیت تجارت خارجی چه در سطح فراهم سازی کالاها و خدمات مورد نیاز اقتصاد کشور و چه از نگاه اعتبار آن بحیث راه تحقق رشد اقتصادی از طریق صادر نمودن تولیدات کشور به این باور است که باید تجارت خارجی مورد تجدید نظر قرار بگیرد، به ضرورت تجدید نظر در نقش تجارت خارجی افغانستان به گونه که توان رقابتي کشور را در بازارهای منطقه ای و جهانی بالا برده و سهم آن را در حرکت تجارتي در سطح منطقه و جهان مشخص سازد.

- 1- بازنگري در سیاست وارداتي کشور از راه ایجاد تحول در معیارها تا کشور باز از کالاهای ردی و فاقد مارک نباشد.
- 2- ضرورت این اجراءات بخاطر آن است که صنایع ملی غرق تولیدات بیگانه نگردد.
- 3- ضرورت ایجاد شرایط سلامت و صحت کالاهای وارداتي بخاطر اجتناب از وارد کردن کالاهای فاسدی که مسبب دچار شدن هموطنان به امراض می گردد.
- 4- کار در جهت ایجاد تغییر در فرهنگ مصرف افراد جامعه و ایجاد حسن میهنی دوستی و اهمیت دادن به تولیدات وطن.
- 5- ازدیاد در صادرات افغانی و تقلیل در صادرات مواد خام.
- 6- استفاده از امکانات موجود در توافق نامه های سازمان تجارت جهانی و محدود ساختن واردات تخریب کننده وطن، از خلال ابزارهای وقایوی واردات.
- 7- فعال ساختن دوائر همکاری اقتصادی در میان کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی و ایجاد بازار مشترک بین کشور منطقه اسلامی.



## 7- در عرصه زراعت آبیاری و مالداری:

گرچه توجه به صنعتی شدن عامل اساسی در توسعه و رشد اقتصادی کشورهاست، اما در شرایط کنونی کشور ما زمینه آن کمتر وجود دارد، از طرفی هم بیش از هشتاد درصد مردم ما به زراعت و مالداری مشغول اند لذا توجه به بهتر شدن وضع زراعتی کشور و حفاظت از جنگلات و علفچرها عامل مهمی در رشد اقتصاد ملی بحساب می آید. نقاط نظر جمعیت در مورد انکشاف زراعت در افغانستان عبارت است از:

حمایت از تولیدات زراعتی

حمایت از صنعتی ساختن زراعت

احیای اراضی بایر و غیر قابل کشت

توسعه ی آبیاری

حمایت از کشت بدیل برای اراضی که اقلام مواد مخدر زرع میشود.

جمعیت در برنامه توسعهی کشاورزی همه جانبه خویش برای یک اقتصاد خود کفا و متکی به خود بویژه در عرصه تولید غله جات، گوشت و ماهی برنامه ذیل را در اولویت های کاری خود قرار می دهد:

1- ازدیاد مساحت زمین های زراعتی از طریق:

• حمایت از اراضی سابقه زراعتی و جلوگیری از تجاوز به آن ها و منع پروژه های ختاه سازی

در میان آن ها.

• احیاء زمین های کشور با استفاده از دریاها و طریق های جدید آبیاری.

2- توسعه قدرت تولیدی زمین های زراعتی از طریق ازدیاد حد متوسط.

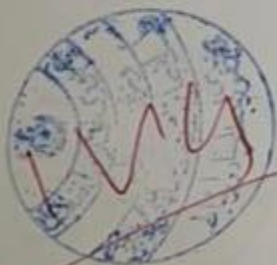
3- تولید در هر جریب.

4- فراهم سازی لوازم تولیدات کشاورزی.

5- توسعه ثروت های حیوانی، فارم های مرغداری و فارم های ماهی گیری.

6- فراهم سازی خدمات تولیدات نباتی و حیوانات.

7- احکام به ایجاد مراکز تعلیمی زراعتی و بحث های و پژوهش ها.



## 8 - در عرصه صنعت، انرژی و معادن

قرار تفحصات نسبی بی که در ساحات ذخایر معدنی افغانستان صورت گرفته کشور ما دارای معادن متنوع و قابل استخراج و استفاده است. دولت بایست برای استخراج معادن با در نظر داشت امکانات مالی کشور اقدام لازم نماید و به ارتباط جلب سرمایه گذاری خارجی در استخراج معادن باملاک قرار دادن حفظ منافع ملی اقدام نماید، و از هر گونه استفاده شخصی و گروهی از معادن که ثروت مردم ماست بشدت جلوگیری نماید.

جمعیت در عرصه صنعتی ساختن کشور بر هماهنگی میان فعالیت های بخش های خصوصی داخلی، منطقه ای و بین المللی ترکیز نموده در راستای ساختن یک مرکز صنعتی و تکنولوژیکی در جهت خدمت به اهداف استراتژیکی اقتصادی و اجتماعی همراه با انکشاف متوازن بخش های انرژی و استفاده از معادن از وسایل ذیل استفاده می کنند:

- 1- ایجاد کمیسیون در سطح بالا برای صنعت، انرژی و استخراج معادن به اشتراک همه جهات ذی ربط تا ازین طریق در میان وزارت ها، هیئت ها و مؤسسات ذی علاقه رابطه برقرار شود.
- 2- سعی و تلاش مشترک دولت و بخش های خصوصی برای ایجاد یک مرکز صنعتی و استفاده اعظمی از آن در تولید صنایع در عرصه های مختلف اقتصادی و استراتژیکی.
- 3- برقراری رابطه بین پلان های انکشاف صنعتی و توسعه انسانی و عمرانی برای درآمدهای بیشتر از طریق این پروژه ها و استفاده بزرگ از فراورده های آنها.
- 4- تهیه و اجراء سیاست های عمومی به منظور حفظ ثروت های صنعتی موجود و استفاده لازم ازین ثروت ها از طریق نوسازی و بلند بردن کارانی آنها.
- 5- تقویه و انکشاف ماشین آلات صنعتی متناسب به شرایط و مواد خام محلی و فعال ساختن ابزار ها و آلات نقل و انکشاف دستگاه ها ماشینری از طریق ازدیاد بودجه پژوهش های علمی و استفاده از تجارب داخلی و خارجی.
- 6- تجدید نظر در سیاست تعلیمی متناسب به نیازمندی های صنعت و پژوهش علمی و بلند بردن سطح تعلیم مسلکی و تجارب حرفوی.
- 7- استفاده بهتر از ثروت های معدنی از طریق ازدیاد قیمت های آنها.
- 8- اجراء سیاست های که هدف آنها تحقق منافع متبادل بین دولت و شرکت های داخلی و خارجی در عرصه های استخراج و تولیدات صنعتی از ثروت های پترولی و معدنی و تلاش در راه تنظیم قوانین جهت استفاده بهتر ازین ثروت ها و جلوگیری از به هدر رفتن آنها.



9- تنظیم برنامه و پلان همه جانبه انرژی جهت پاسخگویی به نیازمندی های توسعه و کار در جهت اتخاذ یک سیاست متوازن در تولید انرژی از منابع مختلف چون پترول، گاز طبیعی و یا منابع بدیل چون از استفاده از انرژی بادهای و انرژی آفتاب و انرژی هستوی همراه با کار در تقویه پروژه های انرژی جدید.

## 9 - در عرصه صحت، دوا و محیط

الف- صحت :

برنامه جمعیت در راه توسعه بخشی صحتی:

- 1- توجه به ایجاد مراکز صحتی برای همه شهروندان بدون در نظر داشت توان مالی و محل سکونت و ضمانت تداوی ازادانه برای کسانی که آزادی تداوی در جای دیگر را دارند.
- 2- بلند بردن سطح خدمات صحتی با رعایت عدالت در توزیع آن به گونه ای که شهروندان بی بهره از توانایی مالی، بتوانند از معاینه درخور حال شان برخوردار شوند.
- 3- توجه به گسترش دامنه بیمه های صحتی جهت استفاده همه شهروندان.
- 4- تزیید بودجه بخش صحتی در چارچوب بودجه عمومی دولت .
- 5- توجه به ایجاد کلینیک های صحتی کوچک و خورد در شهرها، روستا ها و مراکز همراه با پشتیبانی از فعالیت های صحتی داوطلبانه و معاینه خانه های خیریه که به گونه مجانی خدمات صحتی را تقدیم هموطنان می کنند.
- 6- مجهز ساختن شفاخانه های دولتی به بهترین دستگاه های طبی، معالجوی و جراحی.
- 7- بلند بردن ظرفیت های دکتوران و بهبود بخشیدن به وضع زندگی آنان.
- 8- فراهم ساختن تعداد کافی، امبولانس های مجهز با تجهیزات جدید و پرستاران و نرس ها .
- 9- بلند بردن سطح دانش نرسنگی و پرستاری و بهتر ساختن وضع مالی این طبقه.
- 10- اهتمام به مراکز صحتی عمومی و فعل ساختن دید و واندیدهای صحتی و ارسال کاروان های طبی به روستا ها و شهرها.
- 11- طرح یک پلان کلی و آماده کردن برنامه های لازم جهت وقایه و علاج مریضان معتاد به مواد مخدر.
- 12- تهیه و نشر اعلامیه ها و نقشه های صحتی روشن برای امراض مزمن و اسباب اساسی و فیات و برنامه علاج آن ها.





## ب - دوا :

در ارتباط به قضیه دوا، برنامه ما مبتنی بر فراهم سازی دواى است که در پهلوى موثریت، باید در اختیار همه اقشار جامعه به قیمت مناسب قرار گیرد.

تحقق این برنامه با اتخاذ سیاست مبتنی بر امور ذیل پذیر است:

- 1- اجازه فعالیت به شرکت های تولید و توزیع دواى متناسب به هدف یاد شده.
- 2- اتخاذ سیاست نرخ گذاری دواها متناسب به توان مالی افراد کم درآمد.
- 3- ایجاد لابراتوار های مجهز به تکنیک جدید بخاطر ضمانت از موثریت دواها.
- 4- کار در جهت تهیه برنامه تأسیس فابریکه های دواسازی بخاطر شکستن سیاست احتکار ادویه امراض مزمن همراه با کار در جهت رشد قدرت رقابت مراکز دواسازی کشور.
- 5- توسعه پژوهش های علمی پیرامون ادویه در همکاری با دانشگاه ها، وزارت صحت و نهادهای مسطح آن در برون از کشور جهت تبادل تجارب و استفاده از تحولات جدید درین عرصه.
- 6- بازنگری قوانین دواسازی و دواخانه ها جهت هماهنگی با تحولات جدید.
- 7- مبارزه بر ضد ادویه قاچاقی و فاقد آدرس معین.
- 8- وضع اساسات، ضوابط و معیارها برای نظارت، ثبت و نرخگذاری ادویه.
- 9- عفو مالیات گمرکی از دواهای ضروری وارداتی و مواد اولیه که دواسازان کشور بخاطر تولید ادویه اساسی، آن ها را وارد می کنند.

## ج - محیط :

جمعیت به این باور است که باید بین انسان و محیط زیست او که خداوند در طبیعت برایش خلق کرده است، توازن وجود داشته و نباید اجازه داده شود که فابریکه ها در محیط طبیعی و عمرانی بدون در نظر داشت مصالح عامه تأسیس گردد. قابل یاد آوری است که فابریکه های ایجاد شده و ملموس در محیط های عمرانی و طبیعی خود معلول پلان های نادرست و برتری دادن مصلحت های شخصی بر مصلحت های جمعی می باشد.

از همین جهت باید نکات اساسی و اولویت های ذیل در ارتباط به انواع آلودگی های محیطی سر دست گرفته شود:

- 1- ایجاد کمیسیونی در سطح بالا در عرصه های صحت، محیط و دوا برای توحید تلاش های وزارت صحت، ریاست حفظ محیط زیست ایجاد گردد این کار باید در هماهنگی عمومی با دولت بخاطر حفاظت از ثروت های طبیعی و مبارزه بر ضد آلودگی آب ها و فراهم نمودن محیط پاک، صحتی و سایر نهادهای صحتی و محیطی در کشور صورت پذیرد.



2- توجه به تزئید بودجه اختصاصی بخش حفظ محیط زیست در هماهنگی عمومی با دولت بخاطر حفاظت از ثروت های طبیعی و مبارزه بر ضد آلوده گی اب های آشامیدنی، و فراهم سازی محیط پاک صحی.

3- استفاده از تکنالوژی جدید برای حل مشکل اب های نوشیدنی در قریه ها.

4 - ایجاد کمیسیون برای حفظ بستر دریای کابل از ملوث و آلوده گی و طرح پلان استفاده از آن از طریق طرح برنامه ای توسط کارشناسان عرصه محیط زیست.

#### 10 - امور دفاعی و امنیتی :

جمعیت قوای مسلح کشور را حامی استقلال ملی ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و حافظ منافع عالیای کشور و ضامن امنیت ملی می داند . با درک همین واقعیت جمعیت معتقد است که قطعات قوای مسلح کشور اعم از قوای زمینی و هوایی باید بصورت کاملاً عصری مکانیزه و با اسلحه جدید مطابق ایجابات دفاعی کشور مجهز گردد . چون کادرهای مسلکی نظامی اساس اردوی با کفایت و مدافع کشور را تشکیل می دهند . بنا بر آن جمعیت دولت را مکلف می داند که در تربیه کادرهای مسلکی نظامی مخصوصاً در این برهه حساس تاریخ کشور که اردوی ملی در حال تشکیل و توسعه است سعی بلیغ بخرج دهد .

تربیه کادرهای مسلکی از یکطرف مستلزم توسعه هر چه بیشتر موسسات تعلیمات عالی نظامی بوده از طرف دیگر ایجاب مینماید که افسران جوان به ممالک پیشرفته جهان جهت تحصیلات عالی عسکری اعزام شوند.

جمعیت به این باور است که دولت در این مرحله از تاریخ کشور که هنوز هم تلاشهای خرابکارانه دشمنان صلح وثبات سیاسی ، وحدت ملی ما را تهدید می نماید ، بایست با سرعت هر چه تمام تر تشکیل اردوی ملی را که صلح دایمی و سرتاسری را ضمانت می نماید تکمیل نموده و مانع فعالیت گروه های امن ستیز و نامنظم مسلح گردد . در تشکیل اردو نقش محوری و سرنوشت ساز مجاهدین این فرزندان فدا کار میهن و قهرمانان دوران جهاد و مقاومت را نباید نادیده گرفت و از تجارب آنها در ارتش استفاده شود .

از نظر جمعیت قوای مسلح بایست از مسائل سیاسی آگاهی کامل داشته ولی نباید در سیاست مداخله نمایند . نیروهای امنیتی می بایست طوری آموزش بینند که با مردم نه بعنوان رعیت بلکه به عنوان شهروندان آزاد ، باعزت و احترام برخورد نماید .

به امید افغانستان همیشه آزاد ، آباد و مستقل و برخوردار از اقتدار ملی در زیر بیرق پرافتخار اسلام .

ومن الله التوفیق

